

# تفسیر معنی سن

اجتماعات، دورانهای زندگی به موقعیتهای مناسب اجتماعی تقسیم شده، تمایزهای سنی به طور سیستماتیک مشخص گردیده و موجب می شود که حقوق و مسئولیتها متناسب با تمایزهای سنی توزیع گردد. حتی در ساده ترین اجتماعات سه تقسیم بندی متمایز سنی، یعنی کودکی، بزرگسالی و سالمندی قابل توصیف است. در جوامع پیچیده تر، دورانهای سنی بیشتر، و سالهای انتقال متفاوتی مشخص گردیده است. در امریکا اشخاص هنگامیکه به سن ۱۸ سالگی برسند بزرگسال تلقی می شوند و از حق رأی دادن برخوردار می گردند، حال آنکه در واحدهای خانوادگی بزرگسال محسوب نمی شوند مگر اینکه ازدواج کنند و مسئولیت والدین را احراز نمایند. افراد ممکن است در سیستم خانواده بزرگسال به حساب آیند ولی چنانچه هنوز دانشجوی کالج باشند ممکن است در سیستم های اقتصادی جامعه به عنوان يك بزرگسال شناخته نشوند.

تاریخ شناسان در قرون اخیر دوران های زندگی مشخص شده ای را در اجتماعات غربی توصیف کرده اند. تنها با صنعتی شدن و ظهور طبقه متوسط و سازمان یافتن مدارس به طور رسمی است که دوران کودکی به عنوان مرحله ای روشن و واضح از زندگی شناسایی گردیده است.

نوجوانی موقعیت و معنی کنونی خود را از آغاز قرن نوزدهم بدست آورده و در طول قرن بیستم به عنوان دوره ای برای آموزش قانونی و نیز به عنوان دوره ای برای انتقال به جوانی گسترش یافته است.

مرحله جوانی تنها در چند دهه قبل به مفهوم کنونی خود معنی پیدا کرده است که آن نیز به دنبال افزایش تعداد اشخاص

شما خواه جوان، خواه سالمند و یا میانسال باشید، فعالیت های سنی امروزه شما نسبت به روزگاران گذشته دارای معانی بیشتری است.

در جامعه ما مثل جوامع دیگر، سن از ابعاد اصلی سازمانها و تشکیلات اجتماعی است. به عنوان مثال سیستم مدارس ما دقیقاً براساس سن دانش آموز شکل می گیرد. رفتار شاگردان از مریدان بزرگسال نیز از طریق سن متمایز می گردد. به همین ترتیب با وسعتی کمتر یا بیشتر، خانواده ها، روابط اجتماعی و ساختار جوامع و سازمانهای آن براساس سن سازمان می یابد. سن نقشی اساسی و مهم در چگونگی روند روابط انسانها و تجربیات روزانه آنها بازی می کند. هنگامیکه مرد جوانی در هواپیما می نشیند و به مسافر همسفر خود می نگرد، اولین سوالی که به ذهنش خطور می کند سن او است. تا به طور طبیعی رفتار و روابط و نحوه محاوره خود را بر آن پایه تطبیق دهد.

کودکان و بزرگسالان به طور مداوم از خود می پرسند که من نسبت به سن و سالم چگونه هستم و چه فعالیتی انجام می دهم. از سه نقطه نظر یاد شده اجتماع در حال تغییر، تغییر در معنی سن را نیز با خود به همراه آورده است. با محور گردیدن مرز بین زمانهای زندگی، تعریف جدید برای گروههای سنی پیدا شده و الگوهای زمانی جدیدی مربوط به وقایع اصلی زندگی مطرح شده و سازگارهای جدیدی به عنوان رفتارهای سنی مناسب نامیده شده که همه از جمله این تغییرات هستند. در تمام

\* فوق لیسانس پرستاری روانی و ماما

جوان پس از اتمام مدرسه و قبل از ازدواج و یافتن شغل و حرفه و کشف نقشهای گوناگون زندگی بوده است. همینطور در چند دهه قبل بود که میانسالی شناسایی گردید که این نیز انعکاسی از تغییرات منظم و تاریخی وقایع در یک دوره خانوادگی است. با بزرگتر شدن کودکان، میانسالی به عنوان سالهایی که کودکان والدین را ترک می کنند مشخص گردیده و به نوبه خود هنگامی که مفهوم بازنشستگی بمیان آمده بیری به عنوان سالهای پس از کاهش نیروی کار مورد ملاحظه قرار گرفته است. از این دوره یعنی سالمندی به عنوان دوران فراغت، کاهش نیروی فیزیکی و قوای عاقله، اشتغالهای اجتماعی و غالباً انزوا و جدایی از اجتماع برداشت می شود.

دورانهای متفاوت زندگی کاملاً در ارتباط با سن تقویمی است، حتی اگر خطوط سنی به ندرت مشخص گردیده باشد. تمایز دورانهای زندگی در جوامع امروزه مبهم و یا محو گردیده اند. شاید بتوان گفت از وقایع چشمگیر امروزه پیدایش سالمندان جوان است. این واقعاً یک پدیده تاریخی است که گروه بسیار بزرگی از بازنشستگان و همسرانشان هنوز سالم، قوی و از نظر اقتصادی نسبتاً تأمین هستند و به خوبی با زندگی خانوادگی اجتماعات و فعالیتهای سیاسی خود را تطبیق داده اند. واژه سالمند جوان یکی از واژههای آشنای امروز است، و منتسب به سن خاصی نیست بلکه به سلامتی و مشخصات اجتماعی شخص اطلاق می گردد. سالمند جوان کسی است که بین سنین ۸۵ - ۵۵ باشد، این واژه خود منعکس کننده اینست که دیگر بین میانسالی و سالمندی خط مشخصی وجود ندارد.

با این تفصیل این سؤال پیش می آید که پس کهنسالی یا سالخوردگی از چه سالی شروع می شود؟ نقطه نظرهای معمول، سالمندی را از سن ۶۵ سالگی، یعنی هنگامی که بیشتر اشخاص بازنشسته می شوند می داند. اکنون در امریکا بیشتر اشخاص سالمند مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی خود را در سنین ۶۲ تا ۶۳ سالگی دریافت می دارند و در سنین بین ۶۴ - ۵۵ کمتر از  $\frac{۳}{۴}$  مردان در نیروی انسانی مشغول به کار هستند. در همین سنین چنانچه عده ای از سلامتی کافی برخوردار باشند در کارهای تمام وقت یا نیمه وقت حتی تا سن ۸۰ سالگی ابقا می شوند. بنابر این می بینیم که سن ۶۵ سالگی هم برای

بازنشستگی خط تمایزی نیست و مورد اجرا قرار نگرفته است. غالباً گفته می شود که سالخوردگی با شروع اشکال و اختلال در سلامتی و بروز محدودیت در فعالیتهای روزمره زندگی شروع می شود. با وجود این در سال ۱۹۸۱ در بیش از یک سوم از افراد ۸۴ - ۷۵ ساله چنین محدودیتهایی گزارش نگردیده است.  $\frac{۱}{۳}$  افراد دارای محدودیتهای خفیف بوده اند و تنها  $\frac{۱}{۳}$  باقیمانده را اشخاصی تشکیل داده اند که قادر به انجام فعالیتهای روزانه خود نبوده اند. در این صورت در می یابیم که وضعیت سلامت نیز یک شاخص ضعیف برای مقرر کردن سن است.

البته تنها در نیمه دوم زندگی نیست که محو و کمرنگ شدن دورانهای مختلف زندگی دیده می شود. بزرگسالان در هر سنی تغییراتی را در هم آهنگیهای سنتی و نیز زمان مراحل مختلف زندگی تجربه می کنند. مردان و زنان بسیاری هستند که در سنین بالای ۷۰ سال ازدواج کرده یا طلاق می گیرند و یا به ازدواج و طلاق مجدد می پردازند. عده بسیار دیگری ممکن است در این سنین مجرد باشند. برخی از زنان در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده و بچه دار می شوند. عده دیگری بعد از ۳۵ سال متأهل شده و صاحب بچه می شوند. ولی بهرحال نتیجه اصلی اینست که بسیاری از اشخاص بین سنین ۷۵ - ۳۵ سالگی برای اولین بار پدر بزرگ یا مادر بزرگ می شوند. بیشتر زنان، و تعداد رو به افزایشی از مردان مجدداً وارد مدرسه و یا نیروی کار می شوند. این وضع ممکن است حتی تا ۷۰ سالگی ادامه یابد. در نتیجه مشکل است که جوان را از میانسال و بزرگسال از نقطه نظر وقایع زندگی و یا سیستمی که وقایعی خاص در آن بوقوع می پیوندد متمایز کرد.

خط تمایز بین جوانی و نوجوانی نیز محو گردیده است. انتقال سنتی یا ورود به بزرگسالی و صلاحیتهای اجتماعی، از قبیل احراز مشاغل تمام وقت، ازدواج، و والدین شدن نیز با سنین اجتماعی محو گردیده است. برای برخی از زنان و مردان ورود به حرفه و شغل ممکن است به علت انجام تحصیلات تا ۳۰ سالگی به تأخیر افتد و برای سایرین ممکن است در سالهای ۱۷ - ۱۶ سالگی باشد. این روزها مادران نوجوانی یافت می شوند که در همین سنین کودکان خود را بزرگ کرده و پرورش می دهند.

است.

در برخی از موارد خط ممیزه میان سنین کودکی و نوجوانی نیز محو گردیده است. به طور فزاینده ای که کودکان همانند بزرگسالان همان نقطه نظرها و ارجحیتها را در مورد لباس پوشیدن، گفتار، بازیها، برنامه های تلویزیون اعلان می دارند. اکنون کودکان بیشتر درباره عناوینی چون منع و نهی موارد جنسی، داروهای مخدر، اعتیاد و الکلیسم، خودکشی و جنگ های هسته ای و اتمی سخن می رانند. در بین کودکان رفتارهای جنسی و جنایات مربوط به بزرگسالان بیشتر بوقوع می پیوندد. در همین هنگام با افزایش تحمل فشار همینطور نایل آمدن به موقعیتهای بهتر و بزرگتر، شاهد ظهور کودکانی شتاب زده و به ستوه آمده هستیم.

به طور مداوم به کودکان و بزرگسالان توصیه می شود که متناسب با سن و سال خود عمل کنند. با اینکه در این مورد ندرتاً سوء تعبیر وجود دارد ولی امروزه انتظار رفتار متناسب از کودکان و بزرگسالان قطعاً کمتر از قبل مشاهده می شود. اکنون مطمئن نیستیم که انتظار صلاحیت اجتماعی از کودکان چیست. نه به این علت که برخی از دانش آموزان به آموزگاران خود در مورد چگونگی استفاده از کامپیوتر آموزش می دهند، بلکه به خاطر اینکه بسیاری از کودکان در سنین هشت سالگی ولگردان خیابانی هستند و بسیار دیگری در ۱۲ سالگی از نظر اخلاقی محرم و رازدار والدین خود به شمار می آیند.

برخی از مشاهده گران محو گردیدن وجه تمایز بین کودکی و بزرگسالی را مقدماً به تأثیر تلویزیون نسبت می دهند، که فرهنگ امروزه را انتشار داده و آشکار کننده این حقیقت است که بزرگسالان به طور سنتی خود را از کودکان دریغ و مضایقه کرده اند. ولی این امر تنها به علت وجود تلویزیون نیست. گزارشهایی تحت عنوان این واقعیت که امروزه تحت تأثیر والدین، مدارس، معابد و گروههای همگن خود اجتماعی شده اند منتشر گردیده است. براساس گزارشی از امریکا مسئولین پیش آهنگی به این نقطه رسیده اند که سن پذیرش را به ۵ سالگی تقلیل دهند. مسئولین اجرایی ملی نیز اعلان کرده اند که پذیرش دختران ۵ ساله در پیش آهنگی خبر از تغییر در بازار کار امریکا را می دهد. اکنون زنان به طور نیمه وقت یا تمام وقت دوران بزرگسالی

قابل انکار نیست که اجتماع ما وجه تمایز بین نوجوان، جوان و سالمند را تشخیص می دهد و از همین طریق است که اشخاص با هم در ارتباط هستند. با وجود این هنوز نمی توان مطمئن بود که چگونه به طور دقیق و مشخص خطوط سنی را آنطور که باید و شاید ترسیم کرد. کلیه شاخصهای جوانی برای متمایز ساختن وقایع زندگی یعنی کار، موقعیت، علائق و خانواده بسیار ضعیف هستند. در تصویر کردن سن، به جای آنکه آنرا به طور کلیشه ای تلقی کنیم دچار کشمکش هستیم. سن ۷۰ سالگی سن صندلی چرخدار است ولی از طرفی سن زمین تیس نیز هست. ۱۸ سالگی سن ازدواج و حمایت خانواده است ولی از طرفی دیگر سن دانشجوی کالج بودن هم هست. دانشجویی که هر هفته لباسهایش را به خانه می آورد تا مادرش بشوید.

از آنجایی که جامعه ها پیچیده و ناهمگن تر از گذشته است عدم تعادل در معیارهای سنی مسلماً به طور فزاینده قسمتی از واقعیات زندگی امروز را تشکیل می دهد.

تمایلاتی این چنین در ادراکات عامه بیشتر منعکس گردیده است. اگرچه تحقیقات سیستماتیک در این مورد پراکنده است، ولی مطالعات و بررسی های انجام شده منعکس کننده کاهش نظریات جمعی عموم در مورد مراحل مختلف زندگی و مشخصات آن است.

در اوایل سالهای ۱۹۶۰ از یک گروه میانسال طبقه متوسط درمورد بهترین سالهای انتقال زندگی (چون تکمیل مدرسه، ازدواج و بازنشستگی) و نیز سنین ارتباط با آن مراحل، سؤال شد. سپس داده ها مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. دو دهه بعد، همین پرسشنامه عیناً به گروه مشابه با گروه فوق داده شد. پس از بررسی معلوم گردید که نقطه نظرهای تحقیق قبلی در تحقیق بعد به کلی محو گردیده است. در مطالعه اولی تقریباً ۹۰٪ از اشخاص گفته بودند که بهترین سن برای ازدواج، بین ۲۴ - ۱۸ سالگی است. در حالیکه در تحقیق بعدی فقط ۴۰٪ این پاسخ را داده بودند. در مطالعه اولی مردها، جوانی را بین ۱۸ تا ۲۲ سالگی اعلام کرده بودند. در حالیکه در مطالعه بعد، پاسخ بین سالهای ۴۰ - ۱۸ سالگی را نشان می داد. اگرچه این اطلاعات از طریق بررسی و مطالعات کوچکی بدست آمده، ولی به هر حال منعکس کننده واقعیت تغییر در دیدگاههای عموم

خود را بکار کردن می گذرانند و سن ۶ سالگی نیز برای آموختن خط مشی دوره های زندگی خیلی هم زود نیست.

محو گردیدن دوره های متمایز سنین زندگی بدین معنی نیست که معیارهای سنی ناپدید گردیده است. هنوز مقرراتی در این مورد وجود دارد که طی آن کودکان وارد مدرسه شده و از آن خارج می شوند. و یا ازدواج می کنند.

شخصی که سالمند شده و زندگی دوران فراغت را شروع می کند، چنانچه ۷۰ ساله باشد از نظر اجتماع پذیرفته است. در حالیکه در ۳۰ سالگی فعالیتهای دوران فراغت قابل قبول اجتماع نیست.

همچنین اگر زن و شوهری در سن ۴۰ سالگی تصمیم به داشتن فرزند دیگری بگیرند، مورد انتقاد کودکان نوجوان خود واقع می شوند.

با توجه به این مثالها انتظار رفتاری متناسب با سن هنوز يك سیستم منتشره و نفوذکننده از معیارها را تشکیل می دهد که با تارهای فرهنگی ما بافته شده است.

معیارهای قانونی و فرهنگی سن، در نحوه افکار و رفتار اشخاص بازتاب دارد. امروزه نیز - همانند گذشته. اشخاص هنگام نوجوانی انتظارات طبیعی و مشخصی را در مورد دوره های زندگی خود پیش بینی می کند. اشخاص معمولاً يك گاهنامه اجتماعی را درونی کرده اند که به آنها اعلان می دارد کارها را به موقع انجام داده اند.

اگر چه زمان قطعی وقوع وقایع زندگی برای اشخاص همیشه تحت تأثیر احتمالات مختلف زندگی است، ولی معیارها و وقوع وقایع همیشه با یکدیگر در ارتباط بوده است. بیشتر اشخاص سعی می کنند وقتی به سن درست و مناسبی رسیدند ازدواج کنند. و بچه دار شوند و یا تغییر شغل دهند. آنها به آسانی می توانند گزارش دهند که در تصمیم گیریهای خود، زود یا دیر و یا به موقع و متناسب با وقایع زندگی خود عمل کرده اند. اغلب می شنویم که می گویند زود ازدواج کرده ایم یا دیر ازدواج کرده ام.

وقایع زندگی چنانچه به موقع باشند، موجب بروز بحران نمی شوند. زیرا قابل پیش بینی هستند و آمادگی لازم بوجود آمده است. آنچه که معمولاً به آشیانه خالی معروف است به عنوان مثال به خودی خود برای والدین میان سال تنیدگی زا نیست. در

عوض هنگامی که کودکان در سنین متناسب، والدین و خانه را ترك نکنند هم برای والدین و هم برای خودشان ایجاد تنش و تنیدگی می کند. زیرا غیرقابل پیش بینی بوده است. برای بیشتر مردان مسن چنانچه بازنشستگی قبل از زمان برنامه ریزی شده پیش بیاید، عوض اینکه امری طبیعی تلقی گردد موجب بروز تنیدگی می شود. بیهوش شدن چنانچه از سن ۶۵ سالگی اتفاق بیفتد کمتر موجب بحران می شود تا هنگامی که مثلاً در ۴۰ سالگی بوقوع پیوندد. این قبیل وقایع ممکن است سکانهای قابل انتظار و هماهنگی های دورانهای زندگی را واژگون ساخته و موجب بروز مسائلی گردد. مثلاً هنگامی که مرگ والدین در دوران نوجوانی شخص به جای میانسالی اتفاق بیفتد، هنگامی که ازدواج شخص با تأخیر انجام گردد، تولد کودکی زودتر از موعد مقرر صورت پذیرد، دست آوردهای شغلی با کندی حاصل آید. هنگامی که آشیانه زندگی خالی گردد، همینطور هنگامی که بیماریهای بزرگ و بیهوش شدن و.... موجب بهم خوردن هماهنگی زندگی می شود. به این دلایل است که می گوئیم به طور سنتی هنوز گاهنامه زمان در محمل است.

قبلاً گفته شده بود که گاهنامه های سنتی در برنامه های جامعه امروز موجب تنظیم مقررات توسط بزرگسالان و نوجوانان نمی گردد. زیرا بسیاری از مردان و زنان برای اینکه هماهنگی در کارهای خود را حفظ کنند، باید بسیاری از چیزهای مهم دیگر خود را از دست بدهند. ولی برای عده ای دیگر ساعت اجتماع هنوز ضربه زدن را متوقف نساخته است. ناسازگاری بین معیارهای اجتماعی و سیکل های زندگی، نماینده آزادیهای جدیدی برای بسیاری از مردم است. ولی برای عده دیگری موجب بروز تردید و عدم تعیین و فشارهای بسیاری است.

برخی از ساعات زمان یا گاهنامه ها اهمیت خود را از دست داده اند، ولی عده ای دیگر با چیزی بیشتر از همیشه ابقاء گردیده اند. يك مرد جوان چنانچه کاری را می خواهد بکند، انجام ندهد، احساس شکست می کند، يك زن جوان ممکن است در ازدواج به علت خط مشی های خود تأخیر داشته باشد، ولی در عوض مادر شدن خود را تسریع کند. همین خانم ممکن است احساس کند که برای ازدواج و آوردن کودک و تنظیم خود و خط مشی زندگیش در طی مثلاً ۵ سال تحت فشار قرار گرفته

آیا آگاهی نسبت به سن رو به افزایش بوده یا کاهش یافته است؟

آیا تغییراتی تاریخی به وقوع پیوسته است؟ آیا می‌توانیم بگوئیم مسئله سن برای شخص از دوران کودکی تا سالمندی مهم باقی میماند؟ و شخص از سن خود به عنوان راهنما و شاخصی در تطبیق با موارد زندگی اعم از معنی دادن به آن و تفکر و تعقل در مورد گذشته، و یا باقیمانده آن استفاده می‌کند؟ در مجموع سطوح متفاوتی از واقعیت‌های اجتماعی و روانشناسی بر پایه سن وجود دارد. در اجتماعات مدرن سن تقویمی به عنوان شاخص برای سن اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و پیچیدگی‌های موجود برای فرد کمتر از پیچیدگی‌های یک جامعه نیست.

است. حتی اگر مطمئن باشد که تا سن ۸۵ سالگی زنده باشد. بعضی از مواقع دیدگاه‌های سنتی و غیرسنتی در ذهن شخص ممکن است در حال کشمکش باشند. زن جوانی که آگاهانه ازدواج خود را به تأخیر انداخته است ممکن است همان خانمی باشد که نگران موقعیت اجتماعی خود به علت ازدواج نکردن در سن ۲۵ سالگی باشد. مرد میانسالی نیز ممکن است برای بار دوم زندگی خانوادگی تشکیل دهد و خود را متقاعد سازد که باید آنقدر زندگی کند تا بتواند فرزندان جدید خود را تا سنین بزرگسالی ببیند. برخی از اشخاص به طریق جدید زندگی می‌کنند ولی تفکر سنتی خود را ادامه می‌دهند. با در نظر گرفتن موارد عنوان شده می‌توانیم بگوئیم که این روزها افراد کمتر یا بیشتر به مسئله سن یا رفتارهای متأثر از آن می‌پردازند و به این سوالات فکر کنیم.

یادآوری: در ترجمه این مقاله از ذکر مواردی بسیار اندک که با شئون فرهنگی جامعه ما ناسازگاری دارد خودداری گردید.

Bernice L. Neugarten and Dail A. Neugarten, The changing meaning, Page, Psychology to day - May 1987.

قابل توجه همکاران محترم و دانشجویان عزیز:  
جزوه‌های پرستاری مشروحه ذیل که از انتشارات این دانشکده می‌باشند در کتابخانه‌های جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران به فروش می‌رسند.

اطلاعیه

- ۱ - پرستاری از کودکان مبتلا به بیماری‌های خونی
- ۲ - کاربرد احکام و موازین شرعی در ارائه خدمات پرستاری.
- ۳ - بهداشت کار

## **Defining the Meaning of Age**

Roghaie Golab

Ms in Psychiatric Nursing

Extract

If you are young, old or in midlife your new ages activities have different meaning to past times.

Same as the other societies in our society, age is one of the essential dimensions of organizations and social associations. For example our school system is based on the students' ages. Student behavior is different of their adult teachers based on the ages. More or less families, social relationships, social structures and organizations are organized based on the ages.

The age has a basic and important role to play in human relationships and daily experiences. Once a young man sits in the plain and watches to his outfit first question would be how old he/she is, to accommodate his behavior, relations and conversations based on this age.

Keywords: Ages; Relationships; Society